

پیشینه هنر شفاهی

بخش چهارم

د. جهانگیر نصری آبرقی



هزار و یک شب، حسین کرد و برخی از شخصیت‌های افسانه‌ای ایران و داستان‌های افواهی است، از روی مکتوب و منابع خوانده می‌شد. بنابراین دانش خواندن اصلی‌ترین هنر مجریان این گونه نقل‌ها بوده است. بدیهی است بسیاری از کهنسالان طایفه و خانواده نیز به دلیل سال‌ها تکرار این گونه نقل‌ها در محافل و شب‌نشینی‌ها با استفاده از حافظه‌ی غنی، داستان این گونه نقل‌ها را به خاطر سپرده و خود به مجریان متبحری بدل شدند. بنابراین برخی از راویان نیز تنها به صورت شفاهی این گونه داستان‌ها را به حافظه می‌سپردند. ویژگی این فرم از نقل را می‌توان در مناسبت‌ها و مکان‌های اجرای آن دانست.

نقل روایتی برخلاف دیگر فرم‌های نقل تنها در گردهمایی‌ها و نشست‌های خانوادگی مورد استفاده بوده است. تقریباً در همه‌ی شب‌نشینی‌های اعضای یک طایفه و در چند خانواده یک تن از معمرین خوش ذوق، اجرای این فرم از نقل را به عهده می‌گرفت.

در عین حال گاهی یک داستان طولانی به بخش‌های مختلفی تقسیم و طی چند شب پیاپی بازگو می‌شد. اجرای این گونه نقل‌ها بیشتر در شب‌های طولانی زمستان صورت می‌گرفت و افراد ضمن گوش سپردن به نقل، برخی از فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی مانند پیش‌برسی، بافی و بوجار کردن حیوانات را انجام می‌دادند.

در کنار سبک‌های نوازنی نیز راوی و مجری چنین نقل‌هایی بودند. ویژگی‌ای که در سایر فرم‌های نقل مشاهده نمی‌شود. مخاطبین این فرم نقل نیز به اقتضای شرایط اجرایی آن از کودکان خردسال تا بزرگسال را در بر می‌گرفت.

نقل روایتی به رغم سادگی به لحاظ فرهنگی و تعمیق سنت‌های ادبی از اهمیتی بیشتر از سایر فرم‌های نقل برخوردار بوده است. گستردگی مخاطبین این گونه نقل موجب انتقال بخش وسیعی از دانش و تجارب فرهنگ ملی و قومی و پیوستگی و استمرار

ساختمان و فرم اجرایی نقل‌ها در نواحی ایران (اعم از نقل‌های ملی و بومی) به طور مشخص به چهار بخش به شرح زیر قابل تفکیک هستند.

۱- نقل کلامی یا روایتی

این نوع نقل که اقتباس و ادامه‌ی قدیمی‌ترین شیوه‌های اجرایی نقل در ایران است، در واقع ساده‌ترین انواع نقل محسوب می‌شود. این شیوه اجرای نقل در عین حال به دلیل سادگی و سهولت در اجرا، عمومی‌ترین نوع نقل نیز به‌شمار می‌آید. اجرای این نقل که تعریف ساده و بی‌پیرایه‌ی داستان‌ها و روایت‌هایی همچون کلیله و دمنه، تاریخ و سرگذشت پادشاهان کیانی، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین،



۲- نقل منظوم

این فرم نقل نیز از بسیاری جهات مانند نقل کلامی و روایتی است. شرایط زمانی و مناسبت‌های اجرایی این فرم از نقل تفاوت چندانی با نقل روایتی نداشته و تنها وجه تفاوت آن منظوم بودن ادبیات نقل و بالطبع تبخّر و احاطه‌ی بیشتر مجریان نسبت به ادب و فرهنگ فارسی و یا بومی بوده است.

درونمایه و مضامین داستانی این نوع از نقل‌ها نیز برگرفته از مشهورترین انواع ادبیات و منظومه‌های ملی و یا بومی بوده است. از همین‌رو انواع شاهنامه‌ها، جنگ‌نامه‌ها و ادبیات منظوم غنایی و دینی و مذهبی دستمایه‌ی مجریان این نوع نقل بوده است. ویژگی این نقل نسبت به نقل روایتی بیشتر از منظر حس‌انگیزی و نفوذ و تأثیر قاطع‌تر آن در اذهان مخاطبین قابل بررسی است. علاوه بر این نقل‌های منظوم همه‌ی افراد خانواده را با هر شرایط سنی و جنسی با انواع قالب‌های شعری و سبک‌های ادبی آشنا ساخته و از این طریق در افزایش دانش فرهنگی و ادبی افراد جامعه نقش با اهمیتی داشته است. تکرار و تداوم این نقل‌ها، اقتسار مختلف را با تاریخ، دین، فلسفه و حکمت، شخصیت‌ها و همین‌طور سیر حواشی اجتماعی کشور آشنا می‌ساخت و در یادآوری و آموزش آداب و معارف نقش بسزایی داشت. یادآوری این نکته ضروری است که در اجرای نقل‌های منظوم، نقال پاره‌ای از توضیحات را به صورت روایتی چاشنی آن می‌ساخت، همان‌گونه که در نقل‌های روایتی نیز گاهی استفاده از اشعاری نغز بر جاذبه‌های آن می‌افزود.

۳- نقل موزیکال

در این فرم از نقل که در حال حاضر نیز در نواحی ایران و میان طوایف و اقوام مختلف رایج است، مجریان می‌باید از خصیصه‌ای منحصر به فرد برخوردار باشند که همانا داشتن لحن خوش و حافظه‌ای سیال است. لذا در این سبک از نقل منظومه‌های بلند داستانی با الحان موسیقی توأم می‌گردد. طبیعی است این تمهید موجب نفوذ بیشتر نقل در روح مخاطبین خود گردیده و مضمون آن را ماندگارتر می‌کند.

از دیگر ویژگی‌های این فرم نقل بداهه‌سرایی است که نقال را قادر می‌سازد به فراخور موقعیت، سن و جنس مخاطبین اشعاری را در توصیف شرایط حال سروده و به عنوان چاشنی بر داستان اصلی نقل



می‌افزاید. مجریان این نوعی از موزیکال نیز نسبت به سایر گونه‌ها از موقعیت ممتازتری نسبت به راویان نقل روایتی و نقل منظوم برخوردار می‌گردد. این ویژگی و اهمیت ذوقی آن شرایط اجرای این گونه نقل‌ها را از محافل سنتی و عوامی به سوی مجامع بزرگتری سوق داد. این امر نیز شب‌نشینی‌ها در بسیاری از محافل بسیار شایع است. چون عروسی‌ها، ختنه‌سراها و جشن‌های دیگر. اجرای این گونه نقل‌ها به تدریج در محافل عامه‌ای رواج یافت و تشریفات یاد شده



بزرگ همچون عروسی‌ها و اعیاد ظاهر نمی‌شدند ولی در محافل طایفه‌ای به اجرای نقل پرداخته و حضور مردان نیز مانع از اجرای هنر آنان نبوده است.^(۱)

۴- نقل تلفیقی

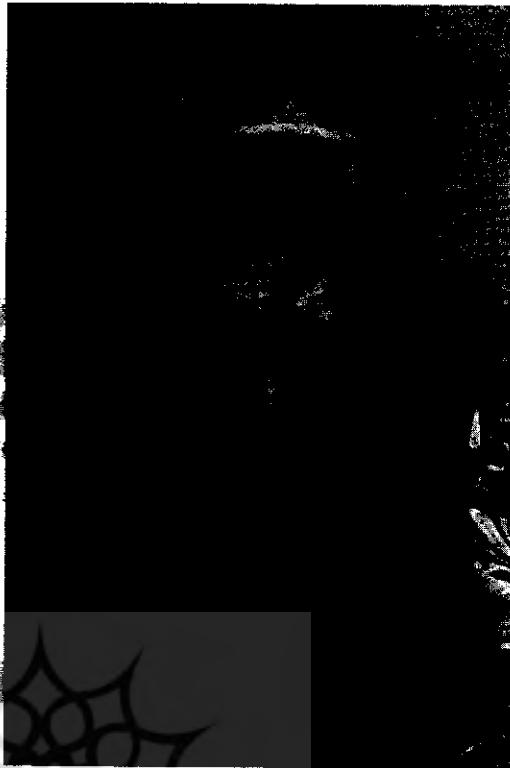
این نوع نقل که کامل‌ترین نوع نقل محسوب می‌گردد در واقع محصول تطور و تکامل تاریخی هنر نقالی است. همه‌ی تمهیدات مورد استفاده در نقل‌های فوق‌الذکر در این فرم از نقل به یکجا گردهم می‌آیند تا موجود نقالی‌ترین شکل هنر نقالی گردند. نظم، نثر، الحان آوازی، نغمات‌سازی و برخی ادوات موسیقی، و حتی آرایش صحنه، لباس و برخی اکوات در کنار هم قرار می‌گیرند، تا نقالی را به هنری شاخص بدل سازد. در تاریخ اجتماعی تهران در مورد تمهیدات صحنه‌ای نقل‌های مربوط به دوره‌ی قاجار آمده است:

«پنج قرآن می‌دادند، الا شب‌های مخصوص اوج سخن یعنی (شب سیاوش کشان) و شب (سهراب کشان) که در نقطه‌ی حساس شاهنامه بوده، در آن دو شب قهوه‌خانه آذین بسته شده، پرده و قالیچه به در و دیوارش کوبیده، چراغ‌های زیاد روشن می‌شد و دوران مرشد فرق کرده کمترینش پنج قرآن بود تا به چند تومان می‌رسید و در آخر هم از طرف قهوه‌چی شال ترمه‌ای به صورت انعام به گردش انداخته می‌شد و نقل آن دو شب هم از یک ساعت به دو ساعت و زیادتر می‌رسید»^(۲)

علاوه بر همه‌ی موارد فوق یک ویژگی پر اهمیت و منحصر به فرد نیز به این گونه نقل افزوده می‌شود که در واقع به عنوان یک رخداد در هنر نقالی قابل بررسی است.

این ویژگی افزون شدن حرکات و حالات نمایشی به مجموعه‌ی هنر نقال است. در واقع این فرم از نقل را می‌توان با احتیاط به هنر نمایشی تک نفره تعبیر نمود. فتوت‌نامه سلطانی و برخی از سفرنامه‌های عصر صفوی شواهدی از این گونه نقل در اختیار می‌نهند، از همین رو می‌توان گفت که لااقل از قرن نهم این شکل از اجرای نقل مرسوم بوده است.^(۳)

هنوز تعدادی از مجریان این نمونه از نقل گاه به گاه در شهرهای بزرگ ایران به ارائه هنر خود می‌پردازند که کارشان از جاذبه‌ی ویژه‌ای برخوردار است. نقال عصایی در دست دارد که به آن «من‌تشا» گویند. این عصابه در نقش شمشیر، دشنه و یا نیزه و گاه در قالب اسب قهرمانان داستان و یا حتی ازدها مورد استفاده‌ی نقال قرار می‌گیرد. نقال با ارائه‌ی حرکات



محسوب می‌شد. تخصص موسیقایی این نوع راویان موجب حرفه‌ای‌تر شدن هنر آنان گردید، لذا آنان به واسطه‌ی مرور همیشگی و تعمق در انواع داستان‌های منظوم، گاه خود نیز به خلق منظومه‌هایی می‌پرداختند که منطبق با روایات، احساسات و نیازهای درونی مخاطبین بود. به واسطه‌ی همین خلاقیت و نوزایی، نوعی بارآوری فرهنگی و هنری به منصف ظهور رسید و در خدمت ارتقا‌ی فرهنگ عمومی قرار گرفت.

این گونه نقالان همانند پیشینیان خود جهت فراگیری روایات و احادیث دینی و مذهبی اهتمام ویژه‌ای به خرج می‌دادند. از همین رو این طیف از نقالان در جوامع قومی و عشیره‌ای علاوه بر ترویج تاریخ و فرهنگ ملی در اشاعه و گسترش اعتقادات دینی و مذهبی نیز نقشی درجه یک ایفا می‌نمودند. همین موضوع موجب می‌شد تا آنان در میان افراد قوم و طایفه از شخصیت تقدس‌آمیز و معنوی والایی برخوردار گردند. در برخی از مناطق کشور به این گونه نقالان شعرخوان نیز گفته می‌شود. جالب توجه اینکه در پاره‌ای از موارد برخی از زنان سالخورده نیز در زمره‌ی این دسته از نقالان قرار داشتند که شماری از آنان تا چند دهه پیشتر به ارائه‌ی هنر خود می‌پرداختند، با این تفاوت که زنان شعرخوان هرگز در مجالس و محافل



و رفتاری نمایشی و بروز اصوات و تقلید صدای برخی از اشیاء و یا جانداران و صدای تاخت و تاز اسبان، در نقش شخصیت‌های مختلف داستان ظاهر گردیده و به تنهایی وظیفه‌ی بازیگری همه‌ی قهرمانان نقل را ایفا می‌نماید. اما همه‌ی این تمهیدات تنها بخشی از داشته‌ها و هنر یک نقال توانمند است. او به لحن‌های آوازی دلپسند مسلط است و هر جا که شرایط و سیر داستان ایجاب نماید، آواز می‌خواند. نقال هر کجا که تشخیص دهد، ادامه‌ی داستان موجب کسالت مخاطبین خواهد شد، با متوقف کردن نقل اصلی به باز گفت داستانی کوتاه می‌پردازد که معمولاً از زمینه‌های طنز و هجو برخوردار است. لذا با القا شور و نشاط در حاضرین نقل اصلی را پی می‌گیرد. او گاه‌گاه از مخاطبین می‌خواهد تا جهت پیروزی قهرمانان مورد علاقه‌ی خود در داستان تکبیر گفته و یا دعا کنند و در حقیقت از این طریق مخاطبین را به بطن داستان کشانده و از این راه اشتیاق آنان را به چگونگی انجام و عاقبت داستان و سرنوشت قهرمانان نقل بیشتر می‌کند. او گاهی برای پیروزی شخصیت‌های مثبت در نقل از انبیا و امامان کمک می‌گیرد.

بر اساس منابع داستانی اعم از نظم و نثر است، که توسط نقالان چیره‌دست و باتجربه با جرح و تعدیل اصل داستان و با افزودن شاخ و برگ‌هایی که مناسب با هنر نقالان است، خلق می‌شود.

دین و مذهبی، اجرای نقل را با روح و اعتقادات حاضرین هماهنگ می‌کند. در گذشته سواران تیز تک و گاه درشت‌تن پیروزی قهرمان و برخی اوقات نیز به صورت نمایشی مفهوم و شکست خورده جلوه‌گر می‌شود و در بعضی این حالات روح و احساس مخاطبین را به شدت خوش می‌کشد. بر همه‌ی این هنرها باید به توانایی و تسلط نقال بر انواع ادبیات رسمی تا انواع ادبیات عامه اشاره نمود که او با توجه به شرایط و مجلس و نوع ظرفیت فکری و ذوقی مخاطبین یکی از انواع آن را با هنر خود آن را در غزلسرای و دکلمه‌های گاه‌گاه خردنورد استعدادهای خود قرار می‌دهد.

۱. نگارنده طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ در البرز مرکزی با دو تن از شعرخوانان زن مواجه گردیده و اجرای آنان را از نزدیک ملاحظه نمود. خانم مریم سوادکوهی و خانم لیلی اسحاقی که متأسفانه هر دو در طی همین سال‌ها به ابدیت پیوستند.

۲. تاریخ اجتماعی تهران، جلد ۵ ص ۵۱۸
 ۳. در این زمینه نگاه شود به سفرنامه‌ی کمپفر بر اساس کتابشناسی پایانی مقالات.

تنوع و ظرفیت بالای این گونه نقل‌ها و توانایی مثال زدنی نقالان موجب گردید، تا قرن‌ها بخش وسیعی از دانش شفاهی، شور ملی و آگاهی‌های اجتماعی و تاریخی به واسطه‌ی این سازه از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.

در پایان لازم است تا به یک نکته‌ی اساسی در کار و هنر این گونه نقالان اشاره نمود و آن ابداع طومار به عنوان ساختمان ادبی، داستانی و نمایشی نقل است.

موضوعی که در انواع دیگر فرم‌های نقل مورد استفاده نیست. طومار داستان بازنویسی شده‌ی نقل

